**اصغر کریمی**

**جایگاه دو اعتصاب مهم در فضای سیاسی ایران**

اعتصاب سراسری سیاسی در کردستان در روز ۲۱ شهریور که بخش قابل توجهی از استان کرمانشاه را نیز در برگرفت و اعتصاب سراسری کامیونداران که دور سوم آن از اول مهر شروع شده است را باید بعنوان دو واقعه مهم سیاسی بشمار آورد که هم نشانه بارزی از فضای سیاسی پر تحول جامعه است و هم سرمنشاء تغییرات بزرگی خواهد بود.

اعتصاب در استان های کردستان و کرمانشاه در پاسخ به اعدام سه جوان زندانی بود. همزمان با این اعدام ها جمهوری اسلامی مقر دو حزب اپوزیسیون در خاک عراق را موشک باران کرد تا با ارعاب مردم، مانع اعتراض وسیع و توده ای شود. اما به فراخوان احزاب سیاسی اعتصاب یکپارچه ای صورت گرفت و توطئه جمهوری اسلامی را نقش بر آب کرد. اعتصاب رانندگان کامیون نیز در مقطعی شروع شد که در اهواز به رژه نیروهای نظامی حکومت حمله شد که اگر فضای مبارزاتی بالایی در جامعه نبود رژیم فرصت می یافت از آن برای ارعاب جامعه و بویژه عقب راندن کارگران و مردم معترض در شهرهای خوزستان استفاده کند و برای مدتی فضای مبارزاتی را عقب میراند. اما فراخوان رانندگان که از قبل داده شده بود بسرعت، و بدون توجه به خیالاتی که رژیم در سر دارد، یک روز پس از حمله به رژه حکومت، در سراسر کشور و از جمله در شهرهای خوزستان عملی شد و اعتصاب بزرگی سازمان داده شد.

این دو اعتصاب قبل از هرچیز نشاندهنده تغییراتی اساسی است که در توازن قوا میان مردم و حکومت ایجاد شده است. نشاندهنده تضعیف حکومت و برتری مردم در جدالی است که در سراسر جامعه جریان دارد. و به سهم خود بر فضای سیاسی جامعه و اعتراضات مردم تاثیر قابل توجهی خواهد گذاشت و تا همینجا تاثیر گذاشته است. این دو اعتصاب به مردم اعتماد بنفس بیشتری داد که دوره تاخت و تاز حکومت تمام شده است و علیرغم سبعیتی که دارد و علیرغم دستگیری ها و سرکوب ها مردم کوتاه نمیایند. ۱۵۰ راننده کامیون را گرفته اند اما رانندگان بر اتحاد و اعتصابشان تاکید بیشتری گذاشته اند، گام های بزرگی به جلو برداشته اند از جمله فراخوان به تشکیل صندوق اعتصاب و جامعه همبستگی اش را با آنها بیشتر کرده است. مردم رسوایی حکومت و دست های خالی ارگان ها و مقاماتش را میبینند و بیشتر به توانایی ها و قدرت خود پی میبرند. درمورد این دو اعتصاب نکات زیادی میتوان گفت از نقش احزاب سیاسی اپوزیسیون در کردستان، فضای مدرن و روحیات پیشروی که در اعتصاب رانندگان کامیون دیده میشود، استفاده موثر و سازمانیافته از مدیای اجتماعی برای ایجاد هماهنگی و حفظ اتحاد و خنثی کردن توطئه های حکومت، تاکتیک های جالب و اشکال متنوع سازماندهی، فضای چپ جامعه و اینکه چطور هر مبارزه قدرتمندی بویژه اگر ادامه دار باشد ظرفی میشود برای تقویت همبستگی عمومی مردم. در عین حال روشن تر شدن فاصله عمیق مردم با جریانات راست. تک تک این نکات بسیار حائز اهمیت است و درمورد هر کدام میتوان مفصل بحث کرد. اما اینجا میخواهم فقط بر یک نکته کلیدی تاکید کنم.

این دو اعتصاب زمینه اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی را بسیار تقویت کرد. بخش های بیشتری از مردم را متوجه کرد که اعتصاب عمومی دور از دسترس نیست. در واقع پیام این دو اعتصاب به کل جامعه این بود که وقت اعتصاب عمومی در سراسر کشور دارد فرا میرسد و باید آماده شد.

روشن است که اعتصاب عمومی نیاز به زمینه های اقتصادی و سیاسی دارد. آیا در حال حاضر این زمینه ها فراهم است؟ بنظر من کاملا فراهم است. اقتصاد بحران زده ای که اکثریت مردم را به فقر مطلق رانده، میلیون ها بیکار،‌ ورشکستگی مراکز تولید و بیکارسازی های میلیونی در آینده نزدیک، گرانی بی سابقه کالاها، حدود ۲۰ میلیون حاشیه نشین فاقد کوچکترین امکانات زندگی، و حکومتی که از فاسدترین حکومت های جهان است،‌ حکومتی منزوی در میان مردم و در سطح بین المللی، عقب رانده شدن حکومت در منطقه و نرمش های قهرمانانه که پوشالی بودن اقتدار حکومت را حتی در میان نیروهای سرکوبش عیان کرده است، و همه اینها بر متن جامعه ای معترض و پر تحرک، اینها فاکتورهای مهم و در عین حال ادامه دار و قابل اتکایی است که زمینه را برای خیزش های عظیم مردمی فراهم کرده است. فاکتورهایی که اشاره کردم رژیم را در موقعیتی قرار داده که توان پاسخگویی به کوچکترین خواست های مردم را ندارد تا بتواند بخشی از مردم را حتی شش ماه راضی نگهدارد. خود مقامات هم کتمان نمیکنند که امکان پاسخگویی به مطالبات ساده مردم را ندارند. حقوق های عقب افتاده بیشتر میشود، بیکاری با سرعت بیشتری افزایش می یابد، کالاها فوق العاده گرانتر میشود،‌ رژیم حتی توان پرداخت حقوق نیروهای سرکوب را در آینده ای نزدیک نخواهد داشت و در چنین شرایطی هم توان سرکوب آن پایین میاید و هم مردم کمتر مرعوب میشوند. جریان اصلاح طلبی نیز از مقطع دیماه حاشیه ای شده و دیگر فاقد نفوذی برای مقابله با جنبش سرنگونی طلبانه است. خیزش دیماه در متن چنین شرایطی اتفاق افتاد. و نه ماه گذشته همه عوامل فوق بطور قابل توجهی تشدید شده است. اینها همه زمینه های عینی و مبارزاتی خیزش های عظیم و سراسری و از جمله اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی است.

اعتصاب عمومی در یک جامعه ممکن است حتی بدون این مجموعه عوامل و تنها بخاطر یک تصمیم حکومت علیه مردم صورت گیرد اما در چنین شرایطی نیاز به تشکل های سراسری کارگری و توده ای است که در ایران فاقد آن هستیم. اما اعتصاب عمومی در جوامعی مانند ایران و در شرایط یک تحول انقلابی نیز کاملا زمینه پیدا میکند. سال ۵۷ اعتصابات کارگری در عرض مدت کوتاهی و بدون هیچ نوع تشکل کارگری یا توده ای به اعتصابات سراسری و عمومی فرارویید. جو عمومی جامعه، رشد نارضایتی و اعتراض، ریختن ترس مردم و بحران اقتصادی و سیاسی لاعلاج حکومت اینها فاکتورهایی است که اعتصاب عمومی و سراسری را امکانپذیر میکنند. اما اگر در سال ۵۷ اعتصاب عمومی در کوران انقلاب شکل گرفت، با توجه به تفاوت های عمیق و همه جانبه ایران امروز با سال ۵۷، امکان اعتصاب عمومی در شرایط کنونی کاملا امکانپذیر است. قبل از شروع انقلاب ۵۷ یک اعتصاب ساده نیز به سادگی امکانپذیر نبود در حالیکه اکنون با سالی چند هزار اعتصاب و تجمع مواجهیم، تشکل های توده ای نیز بدرجاتی در میان بخش هایی از جامعه با استفاده از مدیای اجتماعی شکل گرفته است یا در واقع مدیای اجتماعی امکان تصمیم گیری سراسری را برای بخشهایی از طبقه کارگر مانند معلمان و بازنشستگان، رانندگان، کارگران مخابرات و راه آهن، نفت آب و برق و آتش نشانی و غیره فراهم کرده است. رسانه های اپوزیسیون سرنگونی طلب را نیز نباید دست کم گرفت. قدرت آنها را در اعتصاب عمومی کردستان در روز ۲۱ شهریور شاهد بودیم. در سطح سراسری نیز نقش احزاب سرنگونی طلبی مانند حزب کمونیست کارگری و رسانه های آنها فاکتوری غیر قابل صرفنظر کردن است.

در متن چنین شرایطی است که این دو اعتصاب بزرگ و توده ای عامل مهمی در جهت دامن زدن به اعتصابات سراسری بخش های مختلف کارگران و اعتصاب عمومی است. اعتصاب در کردستان یک روزه بود و پایان یافت اما تاثیرات عمیقی در سراسر کشور و بویژه در استان های کردستان و کرمانشاه باقی گذاشت. اعتصاب رانندگان اما در جریان است و از هر نظر قابل پشتیبانی فعال همه مردم است. هم برای به پیروزی رساندن این اعتصاب معین و هم بدلیل تاثیرات عمیقی که در کل جامعه خواهد داشت.